

Identifying the Causes and Factors of Poverty in Different Regions of Alborz Province with the Nature of Metropolitan Poverty and Marginal Areas

Farzaneh Sasanpour*

PhD in Geography and Urban Planning; Tabriz University;
Tabriz, Iran Email: f.sasanpour@gmail.com

Mehdi Seddigh

PhD Student in Geography and Urban Planning; Kharazmi
University; Tehran, Iran Email: Mehdi.Seddigh@gmail.com



Imam Khomeini Relief Foundation
**Empowerment and
Deprivation-elimination Journal**

<https://pajooresh.emdad.ir>

Vol. 1 | No. 2 | pp. 77-108
Autumn 2023



Received: 11, Oct. 2023 | Accepted: 09, Nov. 2023

Abstract

Introduction: Reducing and controlling poverty is one of the concerns of the government and organizations such as the Imam Khomeini Relief Foundation. Policymakers are always looking for a solution and a decisive answer to the above-mentioned question and to defend their policies. Poverty alleviation is one of the explicit goals and priorities of the governments. Governments are trying to reduce and control poverty in societies through formulating supportive policies in the economic and social spheres in the direction of social justice, but some economic, social and environmental conditions cause aggravation and The occurrence of poverty in the society, among the most important of them, unemployment, inflation, natural disasters and migration can be pointed out, the consequences of the aforementioned factors lead to the formation of marginal and impoverished areas and neighborhoods around cities, including metropolises, which among the provinces, Alborz province is The reason for being close to the capital is the destination of unemployed and poor immigrants.

Methodology: This project is descriptive-analytical in nature and practical in terms of purpose. Taking into account the maximum acceptable error at the confidence level of 95% and the probability of error 0.05, it has been calculated and 384 heads of households were the statistical population whose distribution of the questionnaire was completed randomly. Cronbach's alpha values for the variables of the measurement tool were calculated as 0.89, which indicated its appropriate validity for collecting the required information.

* Corresponding Author

Findings: The results of the research show that Alborz province is facing multi-dimensional poverty. Multi-dimensional poverty in the province is more visible in the form of marginal and poor areas and it is visible in the forms of housing, education, health and treatment, and cultural poverty. In some areas of the province, especially in the suburbs of Karaj metropolis, various types of poverty are observed at the same time

Conclusion: In order to reduce poverty, the Relief Foundation, as a support organization, carries out many supportive measures and policies. One of the most important policies of the Imam Khomeini Relief Foundation of Alborz province is the policy of empowering clients in the fields of employment and job skills, which with The formation of new technologies can be very effective in an intelligent and universal way.

Keywords: Multidimensional Poverty, Marginalization, Metropolitan Poverty, Alborz Province

شناسایی علل و عوامل تولید فقر در مناطق مختلف استان البرز با ماهیت فقر کلان شهری و مناطق حاشیه‌نشین

فرزانه ساسان‌پور

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری؛ دانشگاه تبریز؛
تبریز، ایران؛

پدیدآور رابط: f.sasanpour@gmail.com

مهدی صدیق

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری؛
دانشگاه خوارزمی؛ تهران، ایران؛

Mehdi.Sedigh@gmail.com



دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

چکیده

مقدمه: کاهش و کنترل فقر یکی از دغدغه‌های دولت و سازمان‌هایی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) است. سیاست‌گذاران همواره در جستجوی راه‌حل و پاسخی قاطع به پرسش مذکور و دفاع از سیاست‌های خود هستند. فقرزدایی، یکی از اهداف و اولویت‌های صریح دولت‌ها است، دولت‌ها از طریق تدوین سیاست‌های حمایتی در حوزه اقتصادی و اجتماعی در جهت عدالت اجتماعی سعی در کاهش و کنترل فقر در جوامع هستند اما برخی شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی باعث تشدید و بروز فقر در جامعه می‌شود از مهم‌ترین آن‌ها می‌تواند به بیکاری، تورم، بلایای طبیعی مهاجرت اشاره کرد که پیامدهای عوامل مذکور موجب شکل‌گیری مناطق و محلات حاشیه‌ای و فقرنشین در پیرامون شهرها از جمله کلانشهرها است که در بین استان‌ها، استان البرز به دلیل نزدیکی به پایتخت مقصد مهاجرین بیکار و فقیر است.

روش‌شناسی: این طرح از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. با در نظر گرفتن حداکثر خطای قابل قبول در سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است و ۳۸۴ نفر از سرپرستان خانوار به‌عنوان جامعه آماری بوده که توزیع پرسشنامه آنان به‌صورت تصادفی تکمیل شده است. مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای ابزار سنجش ۰/۸۹ محاسبه شده که بیانگر اعتبار مناسب آن برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بوده است.

نشریه علمی توانمندسازی و محرومیت‌زدایی

کمیته امداد امام خمینی (ره)

<https://pajooresh.emdad.ir>

دوره ۱ | شماره ۲ | صص ۷۷-۱۰۸

پاییز ۱۴۰۲



یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استان البرز با فقر چندی بعدی مواجه است. فقر چند بعدی در استان به صورت مناطق حاشیه‌ای و فقرنشین بیشتر نمایان است و به شکل‌های فقر مسکن، آموزشی، بهداشتی و درمانی، فرهنگی نمایان است. برخی مناطق استان به خصوص در حاشیه کلانشهر کرج گونه‌های فقر به صورت همزمان مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری: در راستای کاهش فقر کمیته امداد به عنوان یک سازمان حمایتی اقدامات و سیاست‌های حمایتی زیادی انجام می‌دهد از مهم‌ترین سیاست‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) استان البرز را می‌توان به سیاست‌های توانمندسازی مددجویان در حوزه‌های اشتغال و مهارت‌های شغلی دانست که با شکل‌گیری فناوری‌های جدید می‌تواند به صورت هوشمند در سطح فراگیر بسیار مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: فقر چند بعدی، حاشیه‌نشینی، فقر کلانشهری، استان البرز، کمیته امداد امام خمینی (ره)

مقدمه

فقر به عنوان پدیده‌ای پیچیده و پدیده‌ای پدیدار، یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی جامعه جهانی تلقی می‌شود و در کانون تلاش‌های توسعه در سطح بین‌المللی قرار دارد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). بحث فقر، در واقع بخشی از مبحث وسیع‌تر توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی است و فرایند دوگانه شناخت علل فقر و اتخاذ تدابیری برای کاهش یا حتی ریشه‌کنی آن، مؤلفه اساسی مبحث توسعه به‌شمار می‌آید. فقر یکی از دغدغه‌ها و برگ برنده سیاست‌گذاران در دفاع از سیاست‌های اقتصادی است. مردم و تحلیلگران سیاست‌های اقتصادی دولت، و سازمان‌هایی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌خواهند بدانند که آیا فقر بین فقرا کاهش یافته است یا افزایش؟ آیا شکاف فقر بهبود یافته است؟ آیا توزیع درآمد، عادلانه‌تر شده و به منظور بهبود وضعیت رفاهی مردم بوده است؟ سیاست‌های اقتصادی دولت در روند فقرزدایی چه تأثیری داشته است؟ سیاست‌گذاران همواره در جستجوی راه‌حل و پاسخی قاطع به پرسش مذکور و دفاع از سیاست‌های خود هستند. اگر فقرزدایی، یکی از اهداف و اولویت‌های صریح دولت‌ها باشد، دولت‌ها باید بتوانند به لحاظ مفهومی، از آن دفاع کنند. این کار زمانی میسر است که دولت‌ها بتوانند فقر را با شاخص‌های مورد پذیرش جامعه، اندازه‌گیری کنند و شاخص‌های مذکور نیز در بین عموم مردم، پذیرفتنی و قابل درک باشند. رویکردهای متعددی برای شناخت و تحلیل علل فقر مطرح شده است. اما به طور خلاصه، فقر شامل افراد، گروه‌ها و طبقاتی هستند که منابع در دسترس آن‌ها (فیزیکی، طبیعی، اجتماعی) آنچنان محدود است که آن‌ها را از دست یافتن به سطوح پذیرفته‌شده زندگی در جامعه خود باز می‌دارد (نولان و ویلان، ۱۹۹۱). در شرایطی که وضعیت اقتصادی مناسبی حاکم است، تمام افراد جامعه از آن منتفع می‌گردند و بالعکس در شرایط نامناسب اقتصادی نیز کاهش رفاه نصیب همگان می‌گردد (نوبهار، ۱۴۰۰). اگرچه توزیع این سود

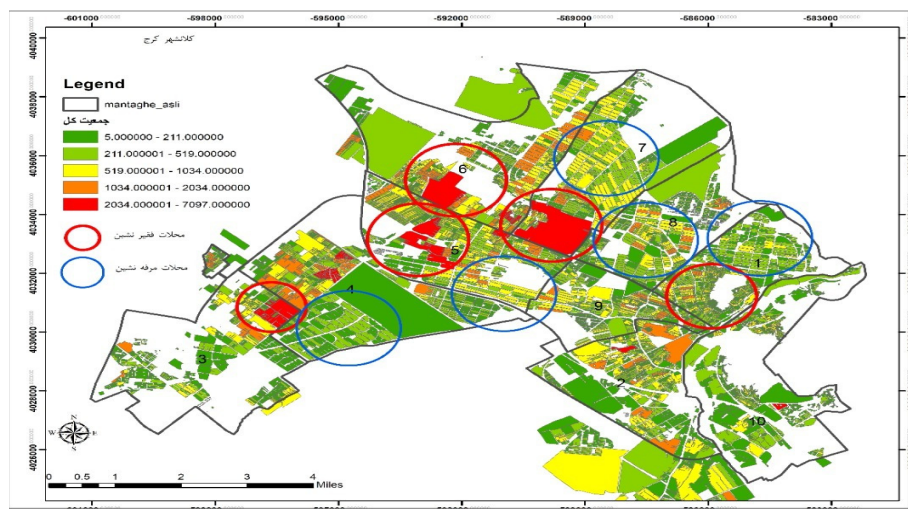


و زیان به وجود آمده یکسان نبوده و ممکن است برخی گروه‌ها نیز حتی از وضعیت بد اقتصادی نفع ببرند. لذا به‌طور کلی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر متغیرهای فقر و وضعیت معیشت خانوار، تغییرات متغیرهای کلان است. کاهش نرخ بیکاری و ثبات قیمت‌ها و رشد پایدار سه هدف اصلی اقتصاد کلان هستند که دولت‌ها در جهت افزایش سطح زندگی و رفاه شهروندان خود دنبال می‌کنند. بیکاری، منشأ بسیاری از مشکلات اقتصادی اجتماعی است. همچنین افزایش شدید قیمت‌ها یکی از موانع تحقق رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها به‌شمار می‌آید. تورم، قدرت خرید افراد را کاهش و نااطمینانی در اقتصاد را افزایش می‌دهد و موجب اختلال در نظم اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. لذا سه متغیر کلان تورم، رشد اقتصادی و اشتغال از جمله عوامل تعیین‌کننده در وضعیت معیشتی خانوار است که بررسی آن‌ها می‌تواند به تحلیل وضعیت فقر در جامعه کمک نماید (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰).

بررسی وضعیت شاخص‌های ضریب جینی و نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، به‌عنوان دو نمونه از مرسوم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت شکاف طبقاتی و نابرابری درآمد، بیانگر آن است که در سال‌های اخیر فاصله طبقاتی افزایش یافته است. تورم، رکورد و بیکاری، رشد جمعیت و کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران از مهم‌ترین دلایل گسترش شکاف طبقاتی به‌شمار می‌آیند. افزایش فقر و نابرابری در جامعه می‌تواند تبعاتی مانند افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی و کاهش انگیزه تحصیل در مقاطع بالاترین افراد کم‌درآمد را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، گسترش فقر و نابرابری درآمدها باعث ایجاد نارضایتی بین اقشار ضعیف جامعه می‌شود (میر، ۱۴۰۰). بنابراین، فقر را می‌توان به معنی عدم دسترسی به منابع، قابلیت‌ها، امنیت و توانایی لازم برای برخورداری از شرایط مناسب و سطوح زندگی همچون حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعریف کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). به‌طور معمول، تصور بر این است که در نواحی دورافتاده از مرکز و در شهرستان‌ها و روستاهای دوردست که با محرومیت‌های زیادی همراه هستند، فقر بیداد می‌کند. اگرچه این تصور در اغلب موارد درست است اما، واقعیت دیگر این است که فقر و محرومیت‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای کلانشهرها و محله‌های اسکان غیررسمی، هم از نظر تعداد افراد فقیر و هم گاه از نظر شدت فقر بسیار بیشتر و دردآورتر از نواحی روستایی است. از سویی، همراه با گسترده‌تر شدن تحریم‌ها در چندین سال اخیر و شیوع و ویروس کرونا، اهمیت فقر و شناسایی آن چندین برابر شده است. چرا که جامعه‌ای که افراد آن به دنبال رفع نیازهای اولیه خود باشند، قطعاً توانایی رشد و پیشرفت در آن به شدت کاهش خواهد یافت. فقر به‌عنوان یک ناتوانی اقتصادی مالی در پرداخت هزینه و تأمین نیازهای اولیه سبب ایجاد نابهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد شد (زارعی، ۱۴۰۰). برآورد خط فقر متوسط کشوری برای سال ۱۳۹۹ یک میلیون و دویست و

پنجاه و چهار هزار تومان به صورت سرانه بوده است که نسبت به خط فقر سال ۱۳۹۸ رشد ۳۸ درصدی داشته است. تورم بالای بخش خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و همچنین بخش مسکن در سال ۱۳۹۹ که عمده هزینه‌های خانوار فقیر را تشکیل می‌دهد، از دلایل اصلی این افزایش است. لذا با افزایش شدید خط فقر در سال ۱۳۹۹ می‌توان گفت به دلیل عدم افزایش متناسب درآمدها و نبود رشد اقتصادی بالا، تعداد بیشتری از خانوارها به زیر خط فقر سقوط کرده و شاهد افزایش نرخ خط فقر در این سال بودیم (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰). در سال ۱۳۹۸ در حدود ۵,۲۶ میلیون نفر در زیر خط فقر قرار داشتند. در این میان جمهوری اسلامی ایران در راستای فقرزدایی و با شعار حمایت از محرومان در همان سال اول و پس از پیروزی انقلاب و با اولویت قرار دادن موضوع «خدمت‌رسانی به محرومان و نیازمندان» کمیته امداد امام خمینی (ره) را با هدف یاری‌رسانی به اقشار نیازمند و محروم جامعه تأسیس کرد که همه ساله منشأ خدمات ارزنده و قابل ملاحظه‌ای به جامعه هدف گردیده است. این نهاد در سال ۱۳۹۸ و در اجرای منویات مقام معظم رهبری دو محور «توانمندسازی و ایجاد درآمد باثبات» برای خانواده‌های تهیدست با رعایت کرامت و حرمت کمک‌شوندگان را وجه همت قرار داده و ضمن انجام تکالیف مصرح در اسناد بالادستی، در رسیدگی به وضعیت نیازمندان و صیانت از غبطه محرومان و ایتمام اهتمام داشته است و به‌رغم همه مشکلات و چالش‌های ناشی از تنگناهای اعتباری با رویکردی جهادی و تلاش مضاعف در حوزه پیشگیری و مقابله با فقر و ایجاد اشتغال و توانمندسازی مددجویان و پاسداشت حقوق محرومین حرکت نماید و ضمن مطمع نظر قراردادن برنامه‌های مصوب در جهت تقویت خدمت‌رسانی به جامعه هدف و تحقق مؤلفه‌های توانمندسازی و شکوفایی استعدادها، تقویت فرهنگ دینی و انقلابی مددجویان و همکاران، توسعه و ساماندهی مشارکت‌های مردمی و جذب کمک‌های مردمی، اجرای طرح‌های توانمندسازی و کاهش فقر، شفافیت و اعتمادسازی، جوان‌گرایی و اعتماد به نیروهای جوان مؤمن و انقلابی در بدنه مدیریتی، رصد و پایش فقر در کشور و شناسایی نیازمندان گام‌های مؤثری را برداشته است. استان البرز بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، بیش از ۲/۷ میلیون نفر جمعیت داشته و با ۲/۳ رشد سالانه جمعیت، دومین استان در رشد جمعیت در سطح کشور بوده است. این استان دارای ۷ شهرستان، ۱۸ شهر، ۱۴ بخش، ۳۱ دهستان و ۳۵۶ آبادی دارای سکنه است. نزدیکی به پایتخت، وجود مراکز صنعتی و دانشگاهی از جمله عوامل مهم رشد جمعیت و مهاجرت در این استان است. رشد نامتوازن و سریع جمعیت و نبود زیرساخت‌های لازم، موجب ایجاد و گسترش محلات حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی در اطراف کلانشهر کرج و سایر شهرهای استان شده است. تنوع قومی، مهاجرپذیری، متناسب نبودن ظرفیت‌ها و امکانات موجود با رشد سریع جمعیت موجب ایجاد مشکلات اجتماعی در حاشیه شهرها و افزایش ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها شده است. بر اساس گفته‌های وزیر کشور یک میلیون

نفر در استان البرز حاشیه‌نشین هستند، از این رو با توجه به رقم بالای جمعیت حاشیه‌نشین و بالا بودن خط فقر جمعیت فقیر استان البرز بیشتر به نظر می‌رسد. محلاتی فقرنشین کرج شامل اسلام‌آباد، حیدرآباد، حصار بالا، حصار پایین، کلاک نو، سهرایه، حصارک پایین، حصارک بالا، حسین‌آباد، اخترآباد، آق‌تپه و حیدرآباد هستند که در اثر مهاجرت شکل گرفتند.



شکل ۱. موقعیت محلات فقیرنشین باتراکم جمعیتی

این محلات به صورت حاشیه‌ای و غیررسمی گسترش یافته و محل زندگی جمعیت فقیرنشینی هستند که توان اقتصادی ضعیفی دارند و بیشترین تعداد افراد بیکار، بی‌سواد، بی‌مهارت شغلی و درگیر با اعتیاد را در خود جا داده‌اند. البته نکته قابل ذکر اینجاست که این محلات در کنار محلات مرفه‌نشین شکل گرفته است که خودش نابرابری و تفاوت‌های اقتصادی محلات را کامل نشان می‌دهد به طوری که اسلام‌آباد در کنار عظیمه، حیدرآباد در کنار جهانشهر و آق‌تپه در کنار مهرشهر قرار گرفته است.

بر اساس آمار سال ۱۳۹۸ از کل جمعیت ۲,۸۰۳,۰۴۷ مددجویان معیشت‌بگیر ایران تعداد ۱۸۵۱۶ خانوار و ۲۹۹۱۷ نفر مددجویان معیشت‌بگیر برای استان البرز بوده است (سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)). در این راستا کمیته امداد امام خمینی استان البرز توانسته تعداد ۱۸۵۱۶ خانوار و ۲۹۹۱۷ نفر با طرح‌ها و سیاست‌های فقرزدایی خود بخشی از جامعه نیازمند را تحت پوشش قرار دهد. از تعداد کل ۴۵,۷۸۲ نفر مددجویان مورد حمایت بر حسب جنسیت (معیشت‌بگیر و تبصره ۱۴) ۱۲,۵۸۹ نفر زن و ۳۳,۱۹۴ نفر

مرد هستند. در این میان خانوارهای مورد حمایت متشکل از افراد دارای از کارافتادگی، زنان خودسرپرست، برنامه رفع فقر مطلق، بیماری، سرپرست خانواده، زندانیان و سایر بوده است که برنامه رفع فقر مطلق با ۵,۵۷۸ نفر بیشترین تعداد حمایت را به خود اختصاص داده است که در ادامه طرح‌های توانمندسازی کمیته امداد امام خمینی استان البرز نیز شرح بیشتری داده شده است.

مسئله اصلی این پژوهش این است که با این همه تلاش و خدمات چرا از میزان فقر کاسته نشده است؟ آیا افراد تحت پوشش کمیته واقعاً شرایط لازم را برای تحت پوشش قرار گرفتن دارند؟ و اینکه کمک‌ها و مساعدت‌های کمیته امداد چه اثرات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی (عادت به فقیر بودن و یا فقیرنما) در جامعه دارد؟ فقیرنمایی یکی از خصیصه‌هایی است که پس از گذشت مدتی از دریافت امداد در فرد نهادینه می‌شود و میل و رغبت به توانمندسازی در او از بین می‌رود و با همان کمک‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهد (ساسان‌پور، ۱۴۰۰). بنابراین گونه‌شناسی انواع فقیر هم مد نظر قرار دارد. سپس علل و عوامل ایجاد و زمینه‌های گسترش فقر در استان البرز پرداخته و جایگاه و نقش کمیته امداد امام خمینی (ره) در ارتقا سطح زندگی فقرا و کاهش فقر مورد مطالعه و در نهایت و راهکارهای مناسب جهت برون‌رفت از وضع موجود به مطلوب و ارتقا کیفیت زندگی فقرا با سیاست‌های کلی کمیته ارائه شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

فقر، عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. از این‌رو، خط فقر، ابعاد فقر و عوامل تعیین‌کننده آن به‌عنوان مهم‌ترین عوامل برنامه‌های کاهش فقر همواره مورد توجه اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اجتماعی-اقتصادی بوده است. آشکار است اجرای سیاست‌های کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آن‌ها، موفقیت‌چندانی نخواهد داشت و اساساً یکی از مسائل مهم در تدوین برنامه‌های کاهش فقر، اطلاع از گستردگی فقر حاکم بر جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. پس از تعیین گستره فقر و شناخت عوامل تعیین‌کننده آن با بصیرت بیشتری می‌توان به تصریح اهداف و گزینش روش‌های عملی اجرای برنامه‌های کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. به بیانی دیگر، عدم شناخت صحیح فقر و ابعاد آن و کم‌توجهی به عوامل تأثیرگذار آن در برنامه‌های مختلف، باعث سیاست‌گذاری‌های نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم‌ماندن تلاش‌ها



و برنامه‌ها و تداوم فقر و ممانعت از دستیابی به توسعه پایدار می‌گردد. بنابراین، شناخت درست فقر، ابعاد آن و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن می‌تواند به‌عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه‌های فقرزدایی و استفاده بهینه از منابع در سطح ملی تلقی گردد.

استان البرز با بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت در حال حاضر دارای ۱۸ محله حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناسایی‌شده در حاشیه شهرها است. بر اساس برآوردهای صورت گرفته حدود ۳۵ درصد جمعیت استان شامل ۹۰۰ هزار نفر نیازمند کمک‌های حمایتی هستند (فردی معاون استانداری البرز، ۵ دی روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰). مطابق اساسنامه کمیته امداد به‌عنوان یک دستگاه عمومی وظیفه شناسایی نیازمندان و طبقه‌بندی انواع فقر را بر عهده دارد. بدین ترتیب، بدون شناخت عوامل تولید فقر در کلانشهر کرج و حاشیه‌نشینی‌های به‌وجود آمده نمی‌توان راهکارهای مناسب جهت کاهش فقر و بالابردن سطح معیشتی افراد جامعه ارائه کرد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

شناسایی و تحلیل علل و عوامل تولید فقر در استان البرز با ماهیت فقر کلانشهری و مناطق حاشیه‌نشین.

اهداف فرعی

۱. شناخت وضعیت فقر، گونه‌های آن؛ ابعاد و شاخص‌های فقر در استان البرز؛
۲. شناخت پراکنندگی محدوده‌های حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی در استان البرز؛
۳. تحلیل توزیع فضایی ابعاد فقر در استان البرز؛
۴. تحلیل علل و عوامل مؤثر بر ایجاد و تشدید فقر با ماهیت فقر کلانشهری و مناطق حاشیه‌نشین در استان البرز؛
۵. تحلیل جایگاه و نقش کمیته امداد امام خمینی استان البرز بر کاهش فقر در استان البرز؛
۶. ارائه سیاست‌ها، رهیافت‌ها و راهکارهای کاهش فقر در استان البرز بر اساس سیاست‌های کلان کمیته امداد امام خمینی استان البرز.

سوال‌های پژوهش

۱. وضعیت فقر، گونه‌ها، ابعاد و شاخص‌های آن در استان البرز چگونه است؟

۲. پراکنندگی محدوده‌های حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی در استان البرز چگونه است؟
 ۳. توزیع فضایی ابعاد فقر در استان البرز چگونه است؟
 ۴. علل و عوامل مؤثر بر ایجاد و تشدید فقر با ماهیت فقر کلاتشهری و مناطق حاشیه‌نشین در استان البرز چیست؟ (کلان و خرد، درونی و بیرونی)؟
 ۵. جایگاه و نقش کمیته امداد امام خمینی استان البرز بر کاهش فقر در استان البرز چگونه است؟
 ۶. سیاست‌ها، رهیافت‌ها و راهکارهای کاهش فقر در استان البرز بر اساس سیاست‌های کلان کمیته امداد امام خمینی استان البرز کدامند؟
- پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است.

روش جمع‌آوری پژوهش

در این پژوهش به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش تلفیقی تحقیقات کیفی و کمی (مصاحبه عمیق)، میدانی (پرسشنامه) و اسنادی در ارتباط با موضوع و اهداف تحقیق استفاده شده است. از منابع اسنادی مانند مقالات و طرح‌ها برای تدوین مبانی نظری و شاخص‌های ارزیابی فقر کلاتشهری در استان البرز و از گزارش‌های عملکرد کمیته امداد در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ برای شناخت عملکرد و خدمات کمیته امداد استان البرز در حوزه فقر استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌های میدانی از طریق مصاحبه و پرسشنامه (شهروندان خبرگان) انجام شده است. جامعه آماری خبره از متخصصین و اساتید دانشگاه (حوزه اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری) و کارشناسان سازمانی کمیته امداد و شهروندان ساکن استان البرز بودند. روش تعیین حجم نمونه متخصصین و کارشناسان به‌صورت هدفمند و گلوله‌برفی، تعیین حجم نمونه شهروندان بر اساس فرمول کوکران متناسب با جمعیت شهرستان در سطح محلات هدف انتخاب شده است. با در نظر گرفتن حداکثر خطای قابل قبول در سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است و ۳۸۴ نفر از سرپرستان خانوار به‌عنوان جامعه آماری بوده که توزیع پرسشنامه آنان به‌صورت تصادفی تکمیل شده است. مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای ابزار سنجش ۰/۸۹ محاسبه شده که بیانگر اعتبار مناسب آن برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بوده است. همچنین از پرسشنامه متخصصین در قالب تکنیک دلفی برای ارائه راهبردها و آسیب‌شناسی استفاده خواهد شد. برای همین منظور از ۲۴ کارشناس و ۱۶ متخصص به‌صورت هدفمند پرسشنامه باز انجام می‌شود.



روش تجزیه و تحلیل

برای تحلیل از تحلیل‌های آماری مانند تحلیل عاملی، آزمون فریدمن، تحلیل فضایی GIS استفاده شده است.

جدول ۱. مشخصات روشی پژوهش

روش جمع‌آوری	روش تجزیه و تحلیل	ابزارها	نوع توزیع و تعداد
مصاحبه عمیق	کدگذاری و مقوله‌بندی	MAXQDA	۱۶ خبره و متخصص هدفمند-
پرسشنامه	<ul style="list-style-type: none"> ◇ آماری (توصیفی-استنباطی) ◇ تحلیل عاملی ◇ تحلیل فریدمن 	Sps. EXCEL	کوکران- تصادفی
تکنیک دلفی	کدگذاری و مقوله‌بندی	MAXQDA	۲۴ کارشناس متخصص
آمارهای فضایی برای حاشیه‌نشینی	تحلیل فضایی (موران)	GIS	

- ◇ عدم تعریف دقیق محلات حاشیه‌ای و فرسوده؛
- ◇ نبود آمار و اطلاعات دقیق از تعداد محلات حاشیه‌نشین و فقرنشین؛
- ◇ نبود نقشه و بانک اطلاعاتی مناسب در حوزه جمعیت استان البرز؛
- ◇ مشخص نبودن میزان جمعیت مهاجر در استان البرز؛
- ◇ پیچیده بودن مسئله فقر از نظر تعریف و شاخص‌ها.

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مسأله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز انحرافات می‌گردد (سازمان ملل متحد؛ ۲۰۱۹). بحث فقر، در واقع بخشی از مبحث وسیع‌تر توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی است و فرایند دوگانه شناخت علل فقر و اتخاذ تدابیری برای کاهش یا حتی ریشه‌کنی آن، مؤلفه اساسی مبحث توسعه به‌شمار می‌آید. فقر یکی از دغدغه‌ها و برگ برنده سیاست‌گذاران در دفاع از سیاست‌های اقتصادی است. مردم و تحلیلگران سیاست‌های اقتصادی دولت، و سازمان‌هایی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌خواهند،

بدانند که آیا فقربین فقرا کاهش یافته است یا افزایش؟ آیا شکاف فقر بهبود یافته است؟ آیا توزیع درآمد، عادلانه‌تر شده و به‌منظور بهبود وضعیت رفاهی مردم بوده است؟ سیاست‌های اقتصادی دولت در روند فقرزدایی چه تأثیری داشته است؟ سیاست‌گذاران همواره در جستجوی راه‌حل و پاسخی قاطع به پرسش مذکور و دفاع از سیاست‌های خود هستند. اگر فقرزدایی، یکی از اهداف و اولویت‌های صریح دولت‌ها باشد، دولت‌ها باید بتوانند به لحاظ مفهومی، از آن دفاع کنند. این کار زمانی میسر است که دولت‌ها بتوانند فقر را با شاخص‌های مورد پذیرش جامعه، اندازه‌گیری کنند و شاخص‌های مذکور نیز در بین عموم مردم، پذیرفتنی و قابل درک باشند. رویکردهای متعددی برای شناخت و تحلیل علل فقر مطرح شده است. اما به‌طور خلاصه، فقرا شامل افراد، گروه‌ها و طبقاتی هستند که منابع در دسترس آن‌ها (فیزیکی، طبیعی، اجتماعی) آنچنان محدود است که آن‌ها را از دست یافتن به سطوح پذیرفته‌شده زندگی در جامعه خود بازمی‌دارد (نولان و ویلان، ۱۹۹۱). در شرایطی که وضعیت اقتصادی مناسبی حاکم است، تمام افراد جامعه از آن منتفع می‌گردند و بالعکس در شرایط نامناسب اقتصادی نیز کاهش رفاه نصیب همگان می‌گردد (نوبهار، ۱۴۰۰). اگرچه توزیع این سود و زیان به‌وجود آمده یکسان نبوده و ممکن است برخی گروه‌ها نیز حتی از وضعیت بد اقتصادی نفع ببرند. لذا به‌طور کلی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر متغیرهای فقر و وضعیت معیشت خانوار، تغییرات متغیرهای کلان است. کاهش نرخ بیکاری و ثبات قیمت‌ها و رشد پایدار سه هدف اصلی اقتصاد کلان هستند که دولت‌ها در جهت افزایش سطح زندگی و رفاه شهروندان خود دنبال می‌کنند. بیکاری، منشأ بسیاری از مشکلات اقتصادی اجتماعی است. همچنین افزایش شدید قیمت‌ها یکی از موانع تحقق رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها به‌شمار می‌آید. تورم، قدرت خرید افراد را کاهش داده، نااطمینانی در اقتصاد را افزایش داده و موجب اختلال در نظم اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. لذا سه متغیر کلان تورم، رشد اقتصادی و اشتغال از جمله عوامل تعیین‌کننده در وضعیت معیشتی خانوار است که بررسی آن‌ها می‌تواند به تحلیل وضعیت فقر در جامعه کمک نماید (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰).

یافته‌های پژوهش

فقر کلانشهری مجموعه‌ای از فقر انتقال‌یافته از جامعه روستایی (توسط مهاجران به شهر) و نیز فقر تولید و باز تولیدشده در جامعه شهری را دربرمی‌گیرد (Davis, 2006: 48).



شکل‌گیری محلات حاشیه‌ای جلوه‌های از فقر کلان‌شهری است که به‌طور عمده ناشی از بی‌توجهی به نیاز مسکن اقشار کم‌درآمد و عدم اشتغال در مراکز رسمی در گذار شهرنشینی شتابان به‌وجود آمده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳: ۱۷-۱۴). بنا به اعلام برنامه اسکان بشر، در سال ۲۰۰۷ نخستین سالی در تاریخ بشر است که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها به سر برده‌اند (صرافی، ۱۳۸۷: ۷). در همین سال، شاهد عبور تعداد جمعیت ساکن نواحی فرودست شهری از مرز یک میلیارد نفر بوده‌ایم. از این‌رو استنتاج می‌شود که شهری شدن فقر از بزرگترین چالش‌های توسعه جهانی است که در صورت تداوم روند نامطلوب کنونی، در طی سه دهه آتی شامل دو میلیارد نفر ساکنان نواحی فرودست شهری خواهد شد. در همین راستا با توجه به ماهیت موضوع فقر کلان‌شهری در استان البرز به‌خصوص در کلانشهر کرج به تحلیل یافته‌های اسنادی کیفی و کمی پرداخته شده است.

وضعیت فقر چندبعدی در استان‌های ایران

فقر آموزشی در ایران

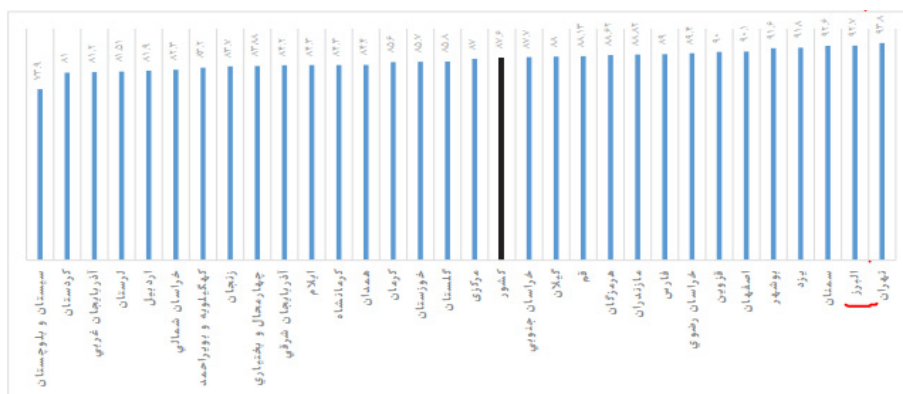
مانند هر تعریفی از ابعاد دیگر فقر به‌عنوان سطحی از آموزش درک می‌شود که زیر سطح آستانه است. رویکردهای مختلف برای استخراج خطوط فقر و انتخاب‌های مختلف برای تعریف جمعیت مرجع و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری فقر آموزشی وجود دارد (Florian & Lohmann, 2014). به عبارتی، نقطه افتراق تعاریف و بررسی‌های مختلف از فقر آموزشی در این سه رکن اندازه‌گیری فقر آموزشی نهفته‌اند؛ اما قبل از بحث بر سر این ابعاد باید برداشت مورد قبول خود را از مفهوم آموزش ارائه دهیم. چه آموزش را به‌عنوان یک منبع و سرمایه در نظر بگیریم چه به‌عنوان جنبه جداگانه‌ای از شرایط زندگی، فقر آموزشی باید هر دو جنبه نفس دسترسی به آموزش در درجه اول و کیفیت آموزش در درجه دوم را شامل باشد. این برداشت از آموزش ما را به سمت دو دسته کلی از شاخص‌ها در زمینه دسترسی و دستیابی رهنمون می‌کند؛ برداشتی از آموزش که در تعریف کمیسیون اروپا از فقر آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. اینک این سؤال مطرح می‌شود که چه شاخص‌هایی در هر دسته کلی باید معیار قرار گیرند؟ به‌طور کلی شاخص‌هایی که از منظر فقر آموزشی در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. شاخص‌های فقر آموزشی

دسته‌بندی کلی	دوره انتشار	وضعیت دسترسی به مقدار شاخص
نرخ باسوادی	سالانه	سازمان اداری-استخدامی به تفکیک استان منتشر می‌کند
نرخ بازماندگی	سالانه	معاونت رفاه به تفکیک شهرستان منتشر می‌کند
عدم برخوردی از مدرک تحصیلی ابتدایی افراد ۱۲-۱۷ ساله	سالانه	با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار
عدم برخوردی از مدرک تحصیلی متوسطه افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله	سالانه	با استفاده از داده‌های طرح نمونه‌گیری هزینه-درآمد خانوار
میانگین نمرات آزمون نهایی	سالانه	وزارت آموزش و پرورش به تفکیک استان منتشر می‌کند
کم‌بهره‌مندی تحصیلی	چهار ساله	از خروجی مرکز بین‌المللی تیمز و پرلز در سطح ملی محاسبه شده است

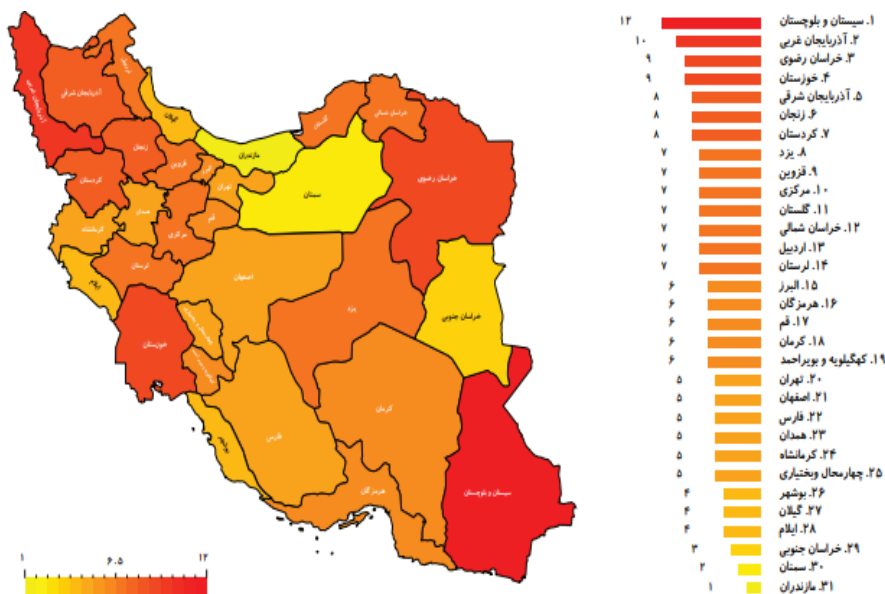
منبع (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰: ۲۰).

در تعیین آستانه برای هر یک از شاخص‌ها، در مورد فقر آموزشی نیز همچون فقر درآمدی، دو دیدگاه فقر مطلق و نسبی آموزش وجود دارد. آلمندینگریلفرد (۲۰۰۳). در مورد فقر مطلق آموزشی از منظر مقایسه‌ای بین‌المللی بحث می‌کنند بی‌سوادان را فقیر آموزشی تعریف می‌کنند. این شاخص شاید در کشورهایی که درصد بالایی از جمعیت که اصلاً تحصیلات رسمی کسب نکرده‌اند، مفید باشد اما در کشورهایی که درصد بالایی از مردم تحصیلات رسمی دارند و باسواد هستند، کاربردی به نظر نمی‌رسد، ضمن آنکه سواد عملکردی و دارا بودن مدرک تحصیلی برای شمول اجتماعی و مشارکت در بازار کار در بسیاری از کشورها از درجه اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است. در ایران و مطابق با آمار شاخص‌های عملکردی وزارت آموزش و پرورش در پایگاه سازمان اداری استخدامی (۱۳۹۸) نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال و بالاتر ۸۷/۶ درصد است که هرچند با میانگین کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (۹۶ درصد در سال ۲۰۱۹) فاصله دارد، اما در حدود متوسط جهانی آن (۸۶/۴۸ درصد در سال ۲۰۱۹) قرار دارد. نمودار زیر مقدار این نرخ را به تفکیک استانی نشان می‌دهد (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰: ۵۳).



نمودار ۱. نرخ باسوادی به تفکیک استان ۱۳۹۸ (درصد)
منبع (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰)

همان‌طوری که شکل ۲ نشان می‌دهد استان البرز از نظر فقر آموزشی در رتبه ۱۵ کشور قرار دارد. از نظر فقر آموزشی جز استان‌های میانه کشور است.



شکل ۲. رتبه‌بندی استان‌ها از منظر شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر آن
منبع (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰: ۵۳)

فقر مسکن در ایران

یکی از نیازهای اساسی خانوارها تهیه مسکن مناسب است. خانوارهایی که به دلایل متفاوت توانایی برطرف کردن این نیاز خود را نداشته باشند، دچار فقر مسکن هستند. پدیده فقر مسکن یک موضوع تک بعدی نیست، بلکه طیف وسیعی از ناامنی و محرومیت در حوزه مسکن را شامل می شود. بررسی فقر مسکن بدین جهت حائز اهمیت است که افزایش فشار هزینه های تأمین مسکن موجب کاهش سایر هزینه های زندگی از جمله تأمین کالری مورد نیاز خانوار، تأمین هزینه های بهداشتی و آموزشی می شود (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰، ۱۲).

بر اساس برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد فقر مسکن به معنای سکونت خانوار در مناطق زاغه نشین و سکونتگاه های غیر رسمی یا به طور کلی عدم برخورداری خانوار از مسکن مناسب بوده و خانوارهایی که در این مناطق سکونت دارند نیازمند ارتقاء سطح مسکن هستند. سهم مسکن در هزینه های خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۵ در حدود ۲۷،۴ درصد بوده که این مقدار بسیار بالاتر از متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۲۰ (۱۷،۴۴ درصد) است. در این سال حدود ۳۶ درصد از خانوارهای کشور هزینه مسکن شان بیش از ۳۰ درصد کل هزینه هایشان است. در حالی که در جهان به طور متوسط ۲۰ درصد جمعیت از مسکن مقرون به صرفه برخوردار نبوده اند. درصد خانوارهای عدم برخوردار از مسکن مقرون به صرفه در مناطق شهری با ۴۵ درصد، حدود ۴،۵ برابر مناطق روستایی با ۱۰ درصد است. همچنین در سال ۱۳۹۸ طول دوره انتظار برای صاحب خانه شدن برای هر فرد ایرانی ۲۴،۴ بوده است که این نسبت تقریباً ۲،۵ برابر متوسط جهانی خود (۱۰ سال) است. در رده بندی استانی ۷۹ درصد خانوارهای استان تهران از مسکن مقرون به صرفه برخوردار نیستند و در رتبه اول قرار دارد. می توان گفت که استان های تهران و البرز در حدود دو برابر متوسط کشوری از مسکن مقرون به صرفه برخوردار نیستند. همچنین خراسان جنوبی و چهارمحال و بختیاری با ۱۰ درصد در انتهای جدول قرار دارند (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰، ۳۲).

با نگاهی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای دچار فقر مسکن در یافته می شود درصد عدم برخورداری از مسکن مقرون به صرفه و بدمسکنی به طور معناداری در بین فقر و خانوارهای زن سرپرست بالاتر است افراد فقیر دو برابر افراد غیر فقیر بدمسکن هستند همچنین ۳۰ درصد از فقرا بدمسکن هستند و ۴۱ درصد از آنها از مسکن مقرون به صرفه برخوردار نیستند.

دسترسی به آب آشامیدنی

به طور متوسط ۱،۵ درصد از جمعیت کشور به آب آشامیدنی لوله کشی دسترسی ندارند در رتبه اول ۱۷،۵ درصد از جمعیت گیلان به آب آشامیدنی لوله کشی (بر اساس داده های نمونه گیری



و خوداظهاری) و در رتبه دوم سیستان و بلوچستان قرار دارد که ۱۱,۹ درصد از جمعیت آن به آب آشامیدنی لوله‌کشی دسترسی ندارند استان تهران، البرز در جایگاه بهتر دسترسی به آب آشامیدنی قرار دارند.

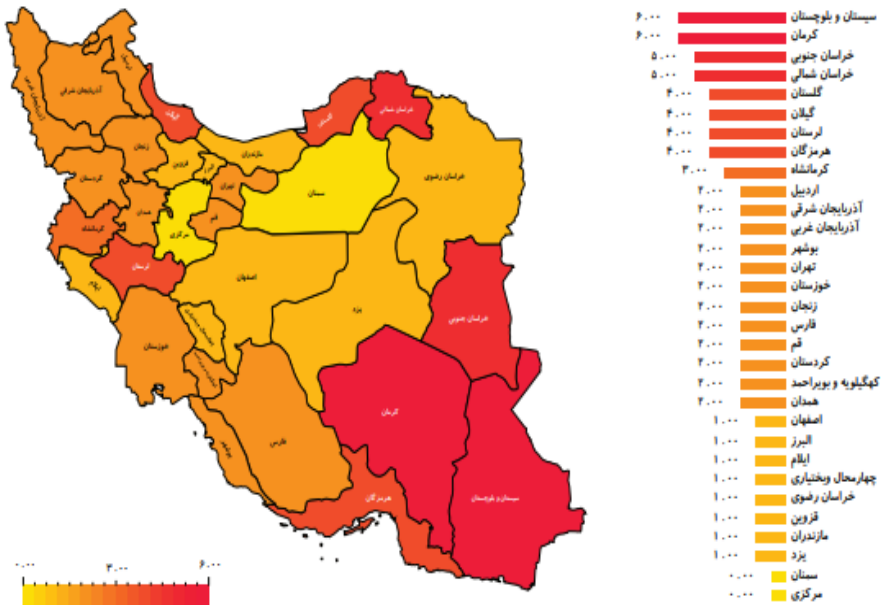
دسترسی به امکانات بهداشتی

این شاخص میزان بهره‌مندی واحد مسکونی از سرویس بهداشتی را نشان می‌دهد که توجه به داده‌های هزینه و درآمد خانوار در ایران از حمام به جای سرویس بهداشتی استفاده شده است به‌طور متوسط ۲ درصد از جمعیت کشور به حمام دسترسی ندارند استان کرمان با ۱۸ درصد و سیستان با ۱۱,۵ درصد بالاترین نرخ عدم برخورداری از حمام هستند استان‌های اصفهان و زنجان در این شاخص از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار هستند.

محل زندگی کافی

به‌طور متوسط زیربنای واحد مسکونی سرانه در کشور ۲۸,۲۴ متر و در حدود ۴,۸ درصد از جمعیت زیربنای سرانه زیر ۱۳ مترمربع را دارند. در رده‌بندی استانی سیستان با ۳۸,۶ درصد (حدود ۸ برابر متوسط کشوری) بیشترین جمعیت را دارد که در فضای مسکونی ناکافی (زیر ۱۳ مترمربع سرانه) زندگی می‌کنند و پس از آن کرمان با ۱۲,۸ درصد در رتبه دوم قرار دارد همچنین متوسط تراکم خانوار در واحد مسکونی کشور ۱,۰۵۹ است که سیستان با ۱,۴۴ و پس از آن کرمان با ۱,۱۴ بالاترین تراکم خانوار در واحد مسکونی را داشته‌اند (منبع: دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰، ۳۲).

وضعیت فقر مسکن به لحاظ جغرافیایی نیز دارای نابرابری است. محروم‌ترین استان کشور در بخش مسکن، سیستان و بلوچستان و کرمان است که در ۶ شاخص از ۷ شاخص (مصالح به کار رفته، دسترسی به آب آشامیدنی لوله‌کشی، سرانه زیربنای واحد مسکونی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، دسترسی به امکانات بهداشتی (حمام). عدم برخورداری از مسکن مقرون به صرفه و برخورداری از حداقل دو محرومیت مسکن) مورد بررسی در بخش مسکن پایین‌تر از میانگین کشوری قرار دارد. پس از آن استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی با نمره ۵ قرار دارند. استان‌های سمنان و مرکزی با نمره صفر (در هیچ شاخصی وضعیت بدتر از میانگین کشوری ندارند) در جایگاه بهتری در بخش مسکن قرار دارند (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰، ۳۲).



شکل ۳. نقشه محروم‌ترین استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های بخش مسکن (منبع: دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰)

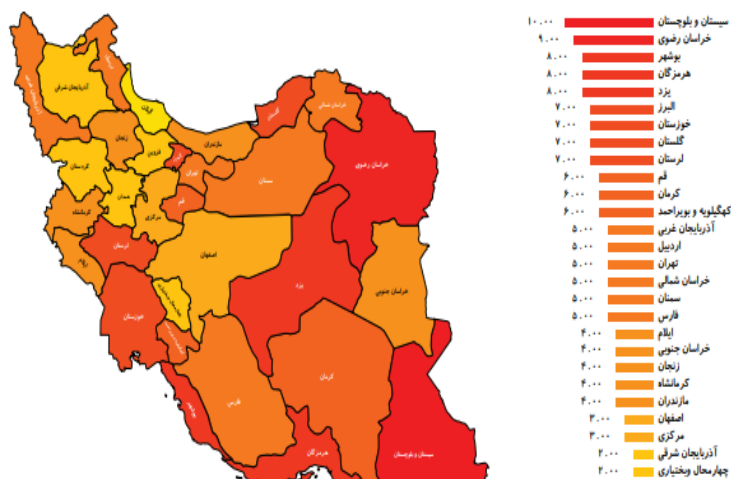
فقر بهداشت و سلامت در ایران

بررسی فقر بهداشت و سلامت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بررسی وضعیت بهداشت و سلامت در ایران نشان می‌دهد که هرچند ایران به لحاظ درآمدی در بین کشورهای با درآمد بالاتر به لحاظ همه شاخص‌های بخش سلامت وضعیت بدتری از این گروه کشورها دارد. به‌طور کلی، از متوسط قرار دارد، اما تقریباً بهداشت و سلامت هم از جهت میزان بهره‌مندی از آن و هم به لحاظ هزینه‌ای که برای آن پرداخت می‌شود، ارتباط بسیار مهمی با موضوع فقر داشته و از این رو، این مطالعه به‌طور خلاصه به بررسی وضعیت فقر بهداشت و سلامت در ایران می‌پردازد.

در بیانیه رسمی سومین مجمع جهانی بهداشت در سال ۱۹۷۷ که به بیانیه آلماتا معروف است، اعلام گردید که در دهه‌های آینده هدف اجتماعی و اصلی دولت‌ها و سازمان جهانی بهداشت باید دستیابی همه مردم جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی به سطحی از سلامتی (در ابعاد مختلف) باشد که امکان برخورداری از یک زندگی مؤثر و مولد را برای آنان فراهم آورد. منظور از رسیدن به زندگی مؤثر و مولد از طرق: افزایش پوشش خدمات بهداشتی و درمانی، افزایش کیفیت نظام سلامت، کاهش عوامل خطر سلامت و در نتیجه بهبود وضعیت سلامت است.

در ۱۳ شاخصی (۱. سرانه پزشکی به ازای ۱۰۰ هزار نفر، ۲. سرانه پیراپزشک به ازای ۱۰ هزار نفر،

۳. سرانه تخت فعال بیمارستانی به ازای هزار نفر، ۴. سرانه مراکز مراقب اولیه بهداشتی به ازای ۱۰۰ هزار نفر، ۵. میزان پوشش فاضلاب بهداشتی شهری، ۶. میزان پوشش فاضلاب بهداشتی روستایی، ۷. نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال برحسب هزار تولد زنده، ۸. نرخ مرگ‌ومیر مادران از عوارض بارداری و زایمان بر حسب ۱۰۰ هزار تولد زنده، ۹. نرخ پوشش آب شهری، ۱۰. نرخ پوشش آب روستایی، ۱۱. پوشش بیمه پایه کل درمانی، ۱۲. نرخ سوء‌تغذیه در کودکان زیر ۶ سال، ۱۳. هزینه‌های کمرشکن سلامت) که داده‌های آن‌ها به تفکیک استان وجود داشت، میانگین کشوری محاسبه شد و تعداد دفعاتی که هر استان در شاخص‌های مورد بررسی از متوسط کشوری محروم‌تر است، بررسی شده و استان‌ها بر اساس محرومیت دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی رتبه‌بندی شدند. استان سیستان و بلوچستان رتبه اول را در محرومیت خدمات بهداشتی و درمانی داشته است (در ۱۰ شاخص وضعیت بدتر از میانگین کشوری دارد) پس از آن استان خراسان رضوی (در ۹ شاخص وضعیت بدتر از میانگین کشوری دارد) قرار دارد. از طرف دیگر، استان گیلان (تنها در یک شاخص وضعیت بدتر از میانگین کشوری داشته است) و برخوردارترین استان کشور به لحاظ امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی بوده است. رتبه سایر استان‌ها در نقشه زیر قابل رؤیت است.



شکل ۴. نقشه محروم‌ترین استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های بخش بهداشت و سلامت (منبع: دفتر مطالعات رفاه اجتماعی وزارت تعاون و رفاه، ۱۴۰۰، ۴۲)

وضعیت فقر، گونه‌ها و ابعاد آن در استان البرز

بدون تردید تعریف از فقر، به‌عنوان مفهومی فراگیر برای تمام شرایط و ثابت برای طول زمان غیرممکن است، زیرا فقر مفهومی نسبی است که با شرایط زمانی و مکانی قابل تعریف است. با این وجود، فقر نبود توانایی آن‌ها برای غلبه بر بی‌سوادی، گرسنگی، کاهش عمر و امید به زندگی، نبود بهداشت و نبود امکان جلوگیری از شیوع بیماری‌های قابل علاج تعریف شده است که سنجه‌های غیرمستقیم آن عبارتند از: نبود امکان دسترسی به کالاها، خدمات و زیرساخت‌ها، سوخت، بهداشت، آموزش، ارتباطات و آب آشامیدنی که مورد نیاز جهت افزایش توانایی‌های انسانی است (Mehta, 1999: 4). فقر در مفهوم کلی، از طریق توجه به شاخص‌های آن در حوزه‌های اصلی زیر قابل تعریف است.

۱. درآمد و هزینه؛
۲. توزیع سرمایه و درآمد؛
۳. دارایی‌ها و قابلیت و توانایی مصرف؛
۴. نیازهای اساسی، از جمله بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی؛
۵. خدمات پایه، از قبیل شبکه آب سالم، توزیع برق و سایر خدمات زیربنایی، خدمات درمانی، امنیت زندگی و دارایی‌ها؛
۶. استاندارد زندگی در مقایسه با چشم‌داشت‌ها و انتظارات؛
۷. حق انتخاب و دستیابی به فرصت‌ها برای زندگی فردی و خانوادگی؛
۸. درک و پاسخ به خواسته‌ها و صدای مردم؛
۹. تأمین نیازهای معنوی و غیرمادی (Jitsuchon, 2001: 9).

بدین ترتیب به تدریج بسیاری از اندیشمندان اقتصادی در رأس آن‌ها سن دریافتند به جای تمرکز محدود بر درآمد به‌عنوان متغیر محوری در زمینه فقر، باید نظر خود را بر عنصر قابلیت معطوف کنند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴: ۲). در واقع هدف دیدگاه چند بعدی فقر، شناسایی ضعف امکانات اولیه برای افراد است که فراهم کردن و دسترسی به آن‌ها، زمینه‌ساز پرورش قابلیت‌ها، توانایی و شکوفایی استعدادهای نیروی انسانی است. همچنین گسترش فرصت‌ها و اشتغال، افزایش درآمد، بهبود کیفیت زندگی و برخورداری از زندگی سالم و خلاق در محیط زیست پایدار، هدف نهایی توسعه است که در سایه شناسایی وضعیت فقر، بر اساس شاخص چند بعدی فقر میسر می‌شود (درخشان و یگانلو،



۱۳۹۳: ۸-۹). به‌طور کلی چرایی و ضرورت سنجش فقر چند بعدی در مقابل فقر درآمدی بر پایه نظریه قابلیت سن به چند مورد اشاره دارد:

۱. الگوی رفتار مصرفی افراد ممکن است یکسان نباشد؛ در نتیجه خط فقر درآمدی

نمی‌تواند تضمین‌کننده برآورده‌شدن حداقل نیازهای افراد باشد؛

۲. افراد گوناگون ممکن است با قیمت‌های مختلفی مواجه شوند؛ بنابراین دقت خط

فقر درآمدی کاهش می‌یابد به‌خصوص در کلانشهر که قیمت مسکن، خوارک

و پوشاک و به عبارتی هزینه‌های زندگی نسبت به شهرهای دیگر بالاتر است؛

۳. توانایی تبدیل کردن مقدار مشخصی از درآمد به کارکردهای خاص بر حسب

سن، جنسیت، سلامت، موقعیت، آب‌وهوا و شرایط خاصی مانند معلولیت و به‌طور

کلی توانایی افراد در تبدیل عوامل به قابلیت‌ها متفاوت است؛

۴. بازار مورد نیاز برای خدمات کیفی و برخی ابعاد رفاهی زندگی افراد، از قبیل

آب، سلامت، آموزش و حتی آزادی و امنیت وجود ندارد و در واقع شرایط افراد

فقیر علاوه بر درآمد پایین با محرومیت‌های گوناگون همراه است؛

۵. کاربرد روش درآمدی، توزیع درآمد درون خانوار را نشان نمی‌دهد؛

۶. شرایط فرهنگی درون خانوارها از جمله «پدرسالاری»، «پسرسالاری» و سایر

تبعیض‌های جنسیتی مانند اجازه نداشتن دختران برای تحصیل یا اشتغال در

تحلیل‌های «درآمدمحور» مغفول مانده است. وجود درآمد در این خانوارها

مشکلات و محرومیت‌های فوق را از بین نمی‌برد؛

۷. بسیاری از خانوارهایی که در حالت عادی درآمدی بالاتر از خط فقر دارند، در

صورت رویارویی با مشکلاتی مانند بیماری و از کارافتادگی به دلیل نبود عواملی

مانند بیمه و پس‌انداز ناگهان دچار محرومیت می‌شوند، حال آنکه از نظر درآمد

همچنان بالاتر از خط فقر قرار دارند؛

۸. از دیدگاه مفهومی، درآمد یک هدف کلی و دارای ارزش ابزاری در مقایسه

با اهداف مهم دیگر است. در اندازه‌گیری‌های فقر نباید اهداف ارزشمند

غیردرآمدی و قابلیت‌ها که ارزش ذاتی و نهادی دارند نادیده گرفته شود (آلکایر

و سانتوس، ۲۰۱۴: ۵؛ فردانش، ۱۳۷۷: ۲۰؛ زندی، ۱۳۸۹).

یکی از موضوعات مهمی که در اندازه‌گیری فقر باید مورد توجه قرار گیرد. انتخاب

متغیرهای سنجش رفاه است. همکاری مشترک دانشگاه اکسفورد و سازمان ملل در سال

۲۰۲۱، با بررسی مطالعات پیشین در زمینه وضعیت فقرا و جمع‌بندی نظرات دانشمندان حوزه فقر، مجموعه از ابعاد و شاخص‌ها را معرفی کرده است که مبنای شاخص فقر چند بعدی جهانی است. از شاخص‌های مطرح شده در شاخص فقر چند بعدی جهانی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های آماری موجود، ده شاخص زیر برای بررسی فقر چند بعدی بررسی قرار گرفته می‌شود.

جدول ۳. محرومیت در شاخص کلی فقر چند بعدی
(منبع: United Nations Development Programme. MPI. 2021)

بعد (وزن بعد).	شاخص (وزن شاخص)	حد محرومیت خانوار وقتی محروم محسوب می‌شود که
آموزش (۱/۳)	سال‌های تحصیلی (۱/۶)	سرپرست خانوار ۵ کلاس تحصیل نداشته باشد
	تحصیل کودکان (۱/۶)	حداقل یک کودک در سن تحصیل (۶-۱۷) وجود داشته باشد که تحصیل نمی‌کند
سلامت (۱/۳)	معلولیت و بیماری خاص (۱/۶)	وجود بیمار خاص و معلول در اعضای خانوار
	برخورداری از تغذیه مناسب (۱/۶)	وجوه توانایی مصرف روزانه ۲۱۰۰ کالری برای هر یک از اعضای خانوار
تسهیلات زندگی (۱/۳)	دسترسی به برق (۱/۱۸)	در منزل به برق دسترسی نداشته باشد
	دسترسی به تخلیه فاضلاب (۱/۱۸)	سیستم تخلیه فاضلاب ندارد و یا مشترک با خانوار دیگر است
	دسترسی به آب سالم (۱/۱۸)	خانوار به آب لوله‌کشی دسترسی نداشته باشد
	سوخت خوارک‌پزی (۱/۱۸)	سوخت خوارک‌پزی خانوار و چوب، زغال یا کود حیوانی باشد
	وضعیت محل زندگی (۱/۱۸)	مساحت سرانه محل سکونت خانوار کمتر از ۱۰ مترمربع باشد.
	تملک کالاهای بادوام (۱/۱۸)	خانوار حداکثر یک از کالای رادیو، تلویزیون، دوچرخه، موتورسیکلت و یخچال را نداشته باشد

باید توجه داشته باشیم که ابعاد فقر در شهرهای مختلف متناسب با ساختار اقتصادی و اجتماعی و ساختار عملکردی شهر در جایگاه سلسله‌مراتبی خود مشابه هم نخواهد بود. به‌طور کلی ابعاد و نمودارهای بارز فقر را می‌توان در مواردی همچون فقر درآمدی، آموزشی، سلامتی و تسهیلات زندگی جستجو کرد.



توزیع پراکندگی عوامل مؤثر در شکل‌گیری محدوده‌های فقیرنشین استان البرز

استان البرز بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، بیش از ۲/۷ میلیون نفر جمعیت داشته و با ۲/۳ رشد سالانه جمعیت، دومین استان در رشد جمعیت در سطح کشور بوده است. این استان دارای ۷ شهرستان، ۱۸ شهر، ۱۴ بخش، ۳۱ دهستان و ۳۵۶ آبادی دارای سکنه است. تراکم و تمرکز جمعیت در استان البرز یکنواخت نیست به طوری که شهرستان کرج و فردیس از مناطق با تراکم بالای خیلی زیاد هستند و بخش زیادی از استان در خود جا دادند به طوری که شهرستان کرج ۶۷,۴۴ درصد، و فردیس ۱۶,۶۰ درصد جمعیت استان در خود جا داده است که خودش گویای شکل‌گیری محلات فقیرنشین و محروم در پیرامون کرج و فردیس است (درگاه مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

بررسی اسنادی محدوده کلانشهر کرج نشان می‌دهد که محلات و مناطق حاشیه‌ای با فقر مسکن، آموزش، درآمدی، درمانی نیز روبه‌رو هستند به طوری که نقشه‌ها و تحلیل‌های فضایی نشان می‌دهد که بافت فرسوده و حاشیه‌ای در کلانشهر کرج با جمعیت مهاجر، جمعیت بیکار، کمبود مراکز درمانی و آموزشی و سطح سواد پایین مواجه می‌باشند. از این‌رو این محلات و مناطق با محرومیت‌های چند بعدی مواجه می‌باشند.

یافته‌های کیفی از علل و عوامل فقر در استان البرز

به‌منظور تحلیل عوامل مؤثر در فقر کلانشهری مصاحبه خبرگان با حضور متخصصین جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، آسیب‌شناس اجتماعی انجام گرفت که یکی از مهم‌ترین سؤال و پاسخ از گروه متخصصین علل و عوامل کلان و خرد فقر کلانشهری در استان البرز است که از طریق ضریب تکرار علل و عوامل خرد و کلان در شکل‌گیری فقر کلانشهر شناسایی شد. جداول و نمودار نتایج مصاحبه متخصصین در حوزه فقر کلانشهری نشان می‌دهد که در سطح کلان بیکاری و تورم بیشتر اثر در شکل‌گیری فقر کلانشهری در استان البرز داشته است.

جدول ۴. علل و عوامل کلان فقر کلانشهری (منبع: نتایج تحلیل کیفی پژوهش، ۱۴۰۱)

درصد فراوانی	فراوانی	علل و عوامل فقر کلانشهر
۱۲,۶۵	۲۱	بیکاری
۱۴,۴۶	۲۴	تورم
۱۰,۲۴	۱۷	نرخ شهرنشینی
۸,۴۳	۱۴	مالیات سرانه
۹,۶۴	۱۶	مهاجرت
۶,۶۳	۱۱	نابرابری اجتماعی و فضایی در کشور
۷,۸۳	۱۳	فروپاشیدن اقتصاد کشاورزی بدون جایگزین کارآمد
۹,۰۴	۱۵	بحران‌های محیطی (خشکسالی و کمبود منابع)
۸,۴۳	۱۴	بی‌عدالتی اجتماعی
۵,۴۲	۹	تمرکزگرایی نظام برنامه‌ریزی و اقتصادی در تهران و شهرهای پیرامونی
۶,۶۳	۱۱	تفاوت سطح زندگی شهری با جوامع روستایی و عشایری بیش از پیش

علاوه بر عوامل کلان که در سطح ملی و کلان بر میزان فقر کلانشهر مؤثر است بر اساس نظر خبرگان علل و عوامل خرد نیز در فقر کلانشهر مؤثر است که از مهم‌ترین عوامل خرد می‌توان بیکاری و اشتغال، مهاجرت، پایین بودن سطح سواد و مهارت را اشاره کرد.

جدول ۵. علل و عوامل خرد در فقر کلانشهری استان البرز

درصد فراوانی	فراوانی	علل و عوامل فقر کلانشهر در سطح خرد
۱۵,۸	۲۷	بیکاری و اشتغال
۱۲,۲۹	۲۲	سطح درآمد پایین
۶,۷۰	۱۲	بالا بودن هزینه اجاره و خرید مسکن در محل سکونت قبلی در مقابل دسترسی به زمین و مسکن ارزان در مناطق حاشیه‌نشین
۱۱,۱۷	۲۰	مهاجرت
۸,۳۸	۱۵	عدم وجود امکانات (تفریحی، آموزشی و بهداشتی)
۹,۵۰	۱۷	پایین بودن سطح سواد و مهارت
۵,۰۳	۹	طلاق



درصد فراوانی	فراوانی	علل و عوامل فقر کلانشهر در سطح خرد
۶,۷۰	۱۲	فوت سرپرست خانوار
۶,۱۵	۱۱	بلایای طبیعی
۷,۸۲	۱۴	فقر فرهنگی
۶,۷۰	۱۲	ورشکستی اقتصادی
۲,۷۶	۵	زندان‌ها و خانواده‌های زندانیان
۱,۶۸	۳	عدم وجود سرمایه اجتماعی

یافته‌های کیفی از نقش کمیته امداد و راهکار مناسب برای کاهش فقر

با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه به جمع‌بندی و کمی‌سازی خدمات و فعالیت‌های کمیته امداد در کاهش فقر در استان البرز پرداخته شده و برای رتبه‌بندی اثرگذاری فعالیت‌ها و سیاست‌های کمیته امداد در کاهش فقر از تحلیل فریدمن استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که برای رتبه‌بندی و مشخص ساختن نقش کمیته امداد در کدام زمینه‌ها بیشتر بوده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده. طبق نتایج جدول شماره ۴-۱۸ نقش کمیته امداد در کاهش فقر در زمینه اشتغال و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، آموزش مهارت‌های شغلی، طرح ایتمام و اکرام نسبت به سایر زمینه‌ها بیشتر بوده است، چرا که میانگین نقش کمیته در این زمینه برابر است با ۳,۷۸ می‌باشد سایر ابعاد به لحاظ میانگین و رتبه در بین این قرار دارند.

جدول ۶. جایگاه و اهمیت در کاهش فقر

خدمات و فعالیت‌های حمایتی	میانگین	میانگین رتبه	رتبه
کمک به احداث و خرید مسکن	۲,۶۹۱۷	۲,۷۱	رتبه هشتم
آموزش مهارت‌های شغلی	۳,۳۰۹۳	۴,۸۱	رتبه سوم
حمایت درمانی و بیمه	۳,۱۲۶۱	۴,۱۲	رتبه پنجم
طرح ایتمام و اکرام	۳,۱۳۶۵	۶,۱۶	رتبه چهارم
توانمندسازی زنان سرپرست خانوار	۳,۶۲۳۵	۶,۷۲	رتبه دوم
وام اشتغال‌زایی کمیته امداد	۳,۸۷۲۱	۳,۹۹	رتبه اول
آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی	۲,۹۳۶۱	۳,۳۸	رتبه ششم
خی دو	۳۹۵,۱۲۵		
سطح معناداری	.		

آماره خی دو در مورد شاخص‌های توسعه اشتغال با مقدار ۳,۹۵,۱۲۵ در سطح معناداری ۰/۰/۰ نشان می‌دهد تفاوت رتبه‌های میانگین هشت بعد توسعه اشتغال و رتبه‌بندی آن‌ها به لحاظ آماری معنادار است.

جمع‌بندی یافته‌ها

نتایج بررسی‌های اسنادی، کیفی و کمی فقر کلانشهری در استان البرز نشان می‌دهد که استان البرز به دلیل مهاجرپذیر بودن با انواع فقر مواجه است به طوری که بررسی اسنادی بیانگر این است که جمعیت وارد شده به استان از نظر تعداد بیشتر است. همچنین افراد وارد شده عمدتاً کم‌مهارت و سطح سواد پایینی دارد و از نظر درآمد در سطح پایینی قرار دارد. از آنجا که توان سکونت در مناطق خوب و تهران ندارند به مناطق حاشیه‌ای و فقرنشین رو می‌آوردند. بنابراین اولاً فقر در آمد وجود دارد، دوماً فقر آموزشی، فرهنگی، مسکن و سلامتی نیز در کنار فقر درآمد شکل می‌گیرد و مصاحبه‌های کارشناسان و متخصصین نیز گونه‌های فقر تأیید می‌کند.

در مورد مناطق و محلات حاشیه‌نشین و فقیرنشین نیز طبق گزارش سازمان بازآفرینی ۲۰ محله دارای بافت فرسوده و غیررسمی هستند که از لحاظ دسترسی به امکانات و تجهیزات مناسب مانند برق، گاز رسمی، فاضلاب و سطح زیربنای مناسب شرایط مناسبی ندارند و با فقر مسکن روبه‌رو هستند که این محلات شامل حصارک، آق‌تپه، ملک‌آباد، مهدی‌آباد، حصار، کلانو، خلیج‌آباد. سهرابیه، قزل‌الحصار، اسلام‌آباد، حسین‌آباد، حسن‌آباد، نتایج مصاحبه‌ها با کارشناسان و متخصصین نیز بیانگر وجود انواع فقر در محلات مذکور است. بنابراین رابطه مستقیم و ارتباط معناداری بین محلات غیررسمی و حاشیه‌ای با فقر چند بعدی وجود دارد.

در مورد اقدامات کمیته امداد نیز می‌توان گفت که کمیته امداد فعالیت‌های حمایتی گسترده‌ای در حوزه آموزش، توانمندسازی، تأمین مسکن، پرداخت وجه مالی، تأمین بیمه و وام‌های اشتغال‌زایی و طرح‌های ایتم و اکرام انجام داده است که از بین این‌ها در حوزه ایتم و اکرام و آموزش مهارت شغلی مناسب بوده است. بنا به نتایج مصاحبه با کارشناسان و متخصصین سیاست‌های مانند آموزش مهارت شغلی، وام اشتغال‌زایی در قالب تعاونی و شرکت، طرح‌های اکرام و ایتم در حمایت از بچه‌ها، حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌تواند راهکاری مناسبی باشد اگر با همکاری و مشارکت سازمان‌ها به صورت یکپارچه باشد.



نتیجه‌گیری

فقر موضوعی چند بعدی بوده و لزوماً ناشی از کمبود درآمد نیست. این نگرش که برگرفته از اندیشه‌های سن بوده، فقر را با رویکرد نبود دسترسی به قابلیت‌ها و کارکردهای اجتماعی تحلیل می‌کند. به بیان دیگر، این رویکرد زمینه و گستره‌ای را فراهم می‌کند که مبتنی بر آن فقر چند بعدی بر مبنای دسترسی نداشتن به مؤلفه‌های ضروری زندگی تعریف می‌شود. این نگرش به فقر در متون نظری و بررسی‌های آماری در سطح مجامع بین‌المللی و نیز نهادها و سازمان‌های آماری راه یافته و مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، شاخص‌های فقر چند بعدی در سطح ملی در بسیاری از کشورهای جهان مبتنی بر مقتضیات اجتماعی و اقتصادی هر کشور تعریف و محاسبه می‌شود؛ همچنین، محاسبه و بررسی این شاخص در مطالعات و مقایسه‌های بین‌المللی با در نظر گرفتن رهیافت‌ها و ملاک‌های یکسان در تبیین مؤلفه‌های فقر نیز قابل مشاهده است. در این پژوهش، ابتدا با طرح موضوع و بیان خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور، برای ارزیابی از فقر چند بعدی در ابعاد اصلی آموزش، سلامت و تسهیلات و امکانات زندگی استفاده شد. بررسی نتایج مطالعات اسنادی، کمی و کیفی نشان می‌دهد که استان البرز با فقر چند بعدی مواجه است به طوری که علاوه بر فقر درآمدی که بر اثر تورم و افزایش گرانی روز به روز زیاد می‌شود. کلانشهر کرج با فقر آموزشی، سلامتی (درمانی و بهداشتی) مسکن، فرهنگی نیز روبه‌رو است به طوری که نتایج مصاحبه‌ها و بررسی اسنادی و میدانی نیز بیانگر این واقعیت است که محلات فقرنشین و حاشیه‌ای که در اثر مهاجرت رشد و گسترش یافتند با فقر مسکن (به دلیل قطعات بلوکی ریزدانه زیر ۲۰۰ مترمربع و اسکلت ناپایدار با آهن و آجر و نداشتن فاضلاب و حتی آب و برق رسمی) با فقر آموزشی (سطح سواد زیر دیپلم سرپرست خانوار، کمبود امکانات آموزشی در سطح محلات) فقر سلامت و بهداشتی (به دلیل سوء تغذیه، نداشتن بیمه، بیماری‌ها و اعتیاد) فقر درآمدی (بیکاری و نداشتن مهارت) مواجه هستند که عمدتاً در مناطق ۳، ۴، ۱۰ شهرداری کرج هستند، البته مناطق مانند ۶ (محل حصارک) منطقه ۷ (اوقافی‌ها) منطقه ۱ محلّه اسلام‌آباد، فردیس، محمدشهر، ولدآباد، یزدی‌ها) کمال‌شهر و، مهدی‌آباد و ملک‌آباد در چهارباغ اشاره کرد. نزدیک به ۹۳ درصد مددجویان کمیته امداد استان البرز شهری هستند بنابراین نشان می‌دهد که فقر استان البرز اولاً از نوع شهری است، دوماً فقر بیشتر ناشی از فقر کلانشهری است که در اثر مهاجرت‌های از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به این

کلانشهر منتقل شده است. بررسی مصاحبه متخصصین و کارشناسان نشان می‌دهد برای فقر کلانشهری در بعد کلان عواملی مانند تورم، بیکاری، مهاجرت، سیاست‌های دولت، اقتصاد رانتی و متمرکز و در سطح خرد عواملی مانند اشتغال، نداشتن مهارت، سطح سواد پایین و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله فقر کار نداشتن، بعد خانوار اثرگذار هستند.

با بررسی شاخص‌های فقر با رویکردهای مختلف، و تحلیل‌های آماری مانند تحلیل عاملی، تحلیل فضایی آمارهای اسنادی در gis نشان داد که مناطقی از استان البرز با فقر چند بعدی از جمله مسکن، درمان، آموزش و بهداشت و فقر در آمد مواجه هستند. از مهم‌ترین محلات بر اساس نتایج فضایی و تحلیل عاملی می‌توان به محلات ملک‌آباد، مهدی‌آباد، قزل‌حصار، سهرابیه، اخترآباد، حصار، کلاک نو و محدوده‌های از فردیس، کوی بهاران محمدشهر، بخشی از کمال‌شهر اشاره کرد. همچنین آمارهای عملکردی کمیته امداد نشان می‌دهد که کمیته امداد در بخش‌های مختلف اشتغال‌زایی، توانمندسازی مددجویان، آموزش بسیار فعال‌تر شده است. بنابراین با بررسی و مقایسه سیاست‌ها و نتایج مصاحبه‌های کیفی از متخصصین و کارشناسان نشان می‌دهد که سیاست توانمندسازی هوشمند کمیته امداد از مهم‌ترین سیاست‌های است که اثرات و پیامدهای مثبت زیادی در کاهش مددجویان دارد از این‌رو کمیته امداد با اتکا به سیاست توانمندسازی نقش اساسی در کاهش فقر و مددجویان دارد.

فهرست منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۳) حاشیه‌نشینی و راهکارهای تعدیل آن، مورد کریم‌آباد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، ص ۱۴۵-۱۲۲.

احمدناصح علی، نجفی رضا (۱۳۹۶) بررسی مسأله تأثیر فقر اقتصادی در ناکارآمدی نظام تربیت اخلاق محور، مجله پژوهش‌های اخلاقی، سال هفتم شماره ۴ (پیاپی ۲۸، تابستان ۱۳۹۶).

احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۱) حاشیه‌نشینی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد. شماره سوم. سال ۲.

ادیب سده، مهدی بهشتی، سید صمد (۱۳۸۹) رابطه میان کنش مؤثر فردی با فقر، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹.

استاندارای استان البرز (۱۳۹۱) سند توسعه اقتصادی، فرهنگی استان البرز، معاونت برنامه‌ریزی، اشتغال استانداری.



اسکندری دو رباطی، زهرا (۱۳۸۷)، فقرای شهری و دردرس تئوری، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۱۴۰-۱۵۳، صص ۶۱۵.

اسکندری، زهرا (۱۳۸۸) فقرای شهری و دردرس تئوری. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶.

افتخاریان، پونه، سلیمی فر مصطفی (۱۳۹۳) بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور، پژوهشنامه اقتصادی، پیاپی ۵۴.

آمار و عملکرد سال (۱۳۹۹) کمیته امداد استان البرز.

ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹) مرور کوتاه تجربه توانمندسازی سکونت‌گاه غیررسمی کرمانشاه، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۰، صص ۶۰-۷۳.

ایمانی جاجرمی، حسین، (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان حرم (نگاهی به مسأله اسکان غیررسمی در شهر مشهد)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره دهم انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور تهران.

پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۰). مشکلات شهری کشور. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱. سال شانزدهم.

جواهری‌پور، مهرداد، ۱۳۸۷، چالش‌های فقر شهری، مجله رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۲۸-۱۱۱.

چلبی، مسعود، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ و هنر و ارتباطات، تهران، ۱۳۸۱.

حبیبی، سید محسن (۱۳۸۱). نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور. مجله هفت شهر. شماره هشتم. سال سوم. ص ۳۱.

خالدی، کوهسار و پر مه، زورار (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران.

خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۷۷). اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص «سن» در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۸، صص ۸۴-۶۱.

خداداد کاشی، فرهاد و باقری، فریده (۱۳۸۴) نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی (۱۳۷۹-۱۳۷۱). پژوهش‌های ۳۱-۲۲، ۴۲.

خوب‌آیند، سعید (۱۳۸۴). تحلیل فضایی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان. اساتید راهنما؛ دکتر علی زنگی‌آبادی - دکتر اصغر ضرابی.

دادگر، یدالله، نوفرستی، محمد. مختاری، محمدعلی. (۱۳۹۹). یک ارزیابی از سطح روند و توزیع فقر چند بعدی در ایران، نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، سالی بیست‌وپنجم، شماره ۱۴۹.

راغفر، حسین. ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۶). فقر در ایران طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۸، فصلنامه رفاه اجتماعی سال ششم، شماره ۲۴.

راغفر، حسین (۱۳۸۴). فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۲۸۸.

- رفعیان، مجتبی و همکاران، (۱۳۸۵)، کاربرد متدلوژی گروه‌های بحث در مطالعات توانمندسازی محلات غیررسمی شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۴۷-۵۶.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، (محسن ثلاثی). تهران، انتشارات علمی، چاپ سوم.
- زارعی، نسیم؛ (۱۴۰۰). فقر خانوارهای شهری و روستایی بر اساس دسترسی به کالاهای اساسی مجله: امنیت اقتصادی خرداد ۱۴۰۰ - شماره ۸۶ (صفحه - از ۳۷ تا ۵۰).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی البرز (۱۳۹۸). گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان البرز، ۱۳۹۸. سایت شهرداری کرج.
- سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- سلیمی، علی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی (۱۳۸۰). تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه.
- سن، آمارتیا. (۱۳۷۹). برابری و آزادی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۵). توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمدسعید نوری نائینی، تهران: نشر نی.
- شادی‌طلب، ژاله. وهابی، معصومه. ورمزیار، حسن. (۱۳۸۴). فقر درآمدی؛ فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، مجله رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- شکوئی، حسین (۱۳۵۴). حاشیه‌نشینان تبریز. دانشگاه تبریز.
- شهدی، زهرا کاویانی (۱۴۰۰). نتایج مطالعات مرکز پایش فقر ۱۳۹۹، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی شهری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صادقو، طاهره؛ سجاسی قیداری، مرضیه (۱۳۹۷). تحلیل اثرات پرداخت نقدی بارانه‌ها بر توانمندسازی گروه‌های هدف روستایی (مطالعه موردی: روستائیان عضو کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی شهرستان خداآهنده).
- صادقی، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی: مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد شهرستان شهریار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹). تحولات مفهومی فقر و محرومیت در دهه‌های اخیر، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۳۴.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی: مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امداد شهرستان شهریار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی.
- صالحی امیری، سید رضا و زهرا خدادادی، (۱۳۹۰). حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی چالش‌ها و پیامدها، انتشارات ققنوس تهران.
- صرافی، مظفر و همکار، (۱۳۸۴) شکل‌گیری و گسترش اسکان غیررسمی، علل چالش‌ها و راهبردها در شهر زنجان، نشریه دانشکده علوم زمین، ویژه جغرافیا، شماره ۱۱، صص ۲۵-۲.



- صرافنی، مظفر (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی، فصلنامه هفت شهر، شماره هشتم، تهران انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، ص ۲۳-۱۸.
- طالب، مهدی و فیروزآبادی، احمد و ایمانی جاجرمی، حسین و صادقی، علیرضا (۱۳۸۷). بررسی گروه‌های هدف در تبلیغات هشتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران دوره نهم.
- طلایی سهیلا، علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۳). فقر و توسعه: نظریه‌ها و سیاست‌ها، تهران، راهبرد، شماره سه.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا،
- علال‌الدینی، پویا و همکار، ۱۳۸۷، اسکان غیررسمی در مشهد، مجله هفت شهر، شماره ۲۲، صص ۷۹-۶۰.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۸). کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی، تهران، انتشارات شیرازه.
- قادری حاجت، مصطفی؛ آفتابی، زکیه (۱۳۹۸). تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی مطالعه موردی: استان‌های شمالی ایران، جغرافیا و توسعه زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۵۷ علمی-پژوهشی / ۱۶ (ISC صفحه - از ۹۵ تا ۱۱۰).
- کلهرنیا، بیژن، ۱۳۸۷، مطالعات ارتقاء و توانمندسازی بافت‌های فقرنشین شهری، مجله هفت شهر، شماره ۲۲، ۴۸-۳۰.
- کاظم اعتماد سید محمد، پیرایی خسرو، زارع هاشم، ابراهیمی مهرزاد (۱۳۹۹). تأثیر ابعاد فقر بر فقر مزمن و گذرا در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، پیاپی ۹۵ (پاییز ۱۳۹۹).
- کتابی، احمد (۱۳۷۹). مالتوزیانسم و مارکسیسم، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۳ و ۲۴.
- کمیته امداد امام خمینی (ره) (۱۳۹۸). سالنامه آماری استان البرز.
- گزارش فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۹۹ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳). فرهنگ فقر، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴ دوره اول، ۱۳۷۱۲۴، ۱۳۵۳.
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۴). فرهنگ فقر و شناخت آن، ترجمه رجعلی حاسبی، تبریز: نوبل.
- لوئیس، اسکار (۱۳۸۷). فرزندان سانچز، ترجمه حشمت کامرانی، تهران: هرمس.
- متوسلی محمود، صمدی سعید (۱۳۷۸). شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، پیاپی ۵۵ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸).
- محرمنژاد، ناصر (۱۳۸۳). شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه. وزارت مسکن و شهرسازی؛ انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری تهران.

محمدی دوست، سلیمان؛ مرادی ریزی، مرضیه، خانی زاده، محمدعلی (۱۳۹۷). ارزیابی نقش مدیریت شهری در توانمندسازی سکونت‌گاه‌های فقیرنشین شهری با تأکید بر خواسته‌های ساکنین (مطالعه موردی: محله زینیه شهر اصفهان). آمایش جغرافیایی فضا پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۲۹ علمی-پژوهشی / ۲۰ ISC صفحه - از ۱۴۷ تا ۱۶۶).

محمدی، علیرضا و همکار، ۱۳۸۷، توسعه اجتماع-محورساز و کاری برای ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مجله هفت شهر، شماره ۲۲، صص ۶۴-

محمدی، علیرضا و همکار، ۱۳۸۲، میزگرد تخصصی برنامه ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مجله هفت شهر، ۵۹-۷۰ صص، ۲۲ شماره.

مرکز آمار (۱۳۹۵). نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۹۵ و پیش از آن مرکز آمار ایران.

مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره) (۱۳۹۹). سالنامه آماری ۱۳۹۸ کمیته امداد امام خمینی (ره).

مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵.

مصطفائی، شعبان؛ خداداد کاشی، فرهاد؛ موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۹). تأثیر توسعه صنعتی بر کاهش فقر در استان‌های ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی بهار ۱۳۹۹ - شماره ۳۸ علمی-پژوهشی / ISC (۱۶) صفحه - از ۴۵ تا ۶۰).

مقدسی، علی اصغر و حسین قدرتی (۱۳۸۳). نظریه ساختاری شدن آنتونی گیدنز و مبانی روش‌شناختی آن، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره چهار، زمستان

منصور عزیزی، علی موحد، فرزانه ساسانپور، نعمت کرده (۱۳۹۳). تحلیلی بر وضعیت فقر شهری (مطالعه موردی: شهر مهاباد). اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۳، ۹۰-۱ - شماره پیاپی ۹۰، صفحه ۶۰-۶۹.

مهندسین مشاور باوند (۱۳۸۹). برنامه راهبردی و طرح ساختاری. جامع (شهر کرج).

مهندسین مشاور پارس بوم و مهندسین مشاور ایران آمایش، طرح راهبردی ساختاری حوزه شهری اشتهارد.

مهندسین مشاور شرق آیند (۱۳۹۵). گزارش جمعیت مطالعات برنامه آمایش استان البرز، (ج).

مهندسین مشاور طرح و معماری (۱۳۸۹). طرح راهبردی-ساختاری حوزه شهری هشتگرد-نظرآباد.

معاونت توسعه و کارآفرینی و اشتغال (۱۳۹۷). تحلیل بازار مهارت نیروی کار مبتنی بر دینامیک کسب‌وکار و اشتغال استان البرز، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

موحد، علی؛ ولی نوری، سامان (۱۳۹۶). تحلیل پویایی فقر شهری در کلانشهر تهران ۱۳۷۵-۹۰، جغرافیا زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۵۵ علمی-پژوهشی (۱۴) صفحه - از ۳۷ تا ۵۰).

موسوی، میرطاهر و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۸). مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانژه.

میر، میلاد (۱۴۰۰). شکاف طبقاتی و وضعیت فقر و نابرابری مجله: امنیت اقتصادی شهریور ۱۴۰۰ - شماره ۸۹ (۸) صفحه - از ۳۱ تا ۳۸).



میرزایی، محمد؛ کبریایی، عاطفه (۱۳۹۹). عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر خانوارهای شهری ایران در ۱۳۹۵.

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران پاییز و زمستان ۱۳۹۹ - شماره ۳۰ علمی-پژوهشی / ۲۹ ISC صفحه - از ۲۳۱ تا ۲۵۹.

نظم‌فر، حسین؛ عشقی چهاربرج، علی؛ علوی، سعیده؛ (۱۳۹۸). پایش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور، مجلس و راهبرد زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۱۰۰ علمی-پژوهشی / ۲۷ ISC صفحه - از ۱۴۹ تا ۱۷۵.

نوبهار، الهام و قربانی، فهمیده (۱۴۰۰). بررسی رابطه علیت فضایی بین مهاجرت، نابرابری درآمد و فقر در شهرستان‌های ایران، مجله: پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۴۳ علمی-پژوهشی / ۲۰ ISC صفحه - از ۸۳ تا ۱۰۲.

نوبهار، الهام و قربانی، فهمیده (۱۴۰۰). بررسی رابطه علیت فضایی بین مهاجرت، نابرابری درآمد و فقر در شهرستان‌های ایران، مجله: پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۴۳ علمی-پژوهشی / ۲۰ ISC صفحه - از ۸۳ تا ۱۰۲.

نورمحمدی مهدی، حاضری حاتف (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های (۸۵-۱۳۶۳). فصلنامه رفاه اجتماعی، پیاپی ۴۰ (بهار ۱۳۹۰).

هال، آنتونی و میجلی، جیمز. (۱۳۸۸). سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۱). آاناتومی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

ورشوچی، هانیه (۱۳۸۵). معضلی به نام حاشیه‌نشینی، روزنامه همشهری، شماره ۴۱۰۴، سال چهاردهم.

وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۵). طرح کالبدی منطقه البرز جنوبی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

References

- Akayo, F., 2010, slums in Africa, (new approach). worl Bank. 22. Baykal, n, 2010, urban poverty in Asia, chsina, singnoya press.
- Alaming, B., 2010, Tthe urbn Poverty and challenge, uk London. 19. Albert, G.,1986, Development ofcontextof planning, university of illions.
- Alvin, B., 2010, Urban planning and housing in third world, London, Methuen.
- Crayon, s., 2010, The solution and problems for housing the poor, university of sheffield.
- Davis, mike., 2006, planet of slums, new York, verso. 25. Everatt, D., 2005, community development in south, new York.
- De Haan, Arjan. (2007). Reclaiming Social Policy: Globalization, Social exclusion and New poverty Reduction Strategies, Palgrave Macmillan Publications.
- Trond Vedel & Abhay siddham (2002). Livelihoods and collective action among slum dwellers in a Mega-city (New Dehli).
- Word Bank (2001).," China Overcoming Rural Poverty," Retrieved from www.worldbank.org.pdf



- Zeilhofer, peter, valdinir topantti, (2008)., Gis and ordination techniques for evaluation for environmental impact in informal settlement: A case study from Cuiaba, central brazil, Applied Geography 28.
- Unjum, I., Mir, J. A., & Gulzar, A (2021). From Uni-Dimensional to Multidimensional Poverty: A Review. Journal of Xi'an University of Architecture & Technology. Volume XIII, Issue 3, 2021
- Decerf, Benoit. 2022. Absolute and Relative Poverty Measurement: A Survey. Policy Research Working Paper; 10008. World Bank, Washington, DC. © World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/37325> License: CC BY 3.0 IGO
- Dhongde, S., & Haveman, R. (2022). Spatial and Temporal Trends in Multidimensional Poverty in the United States over the Last Decade. Social indicators research, 1-26.
- Alkire, S., Kanagaratnam, U., Nogales, R., & Suppa, N. (2021). Revising the global Multidimensional Poverty Index: Empirical insights and robustness. Review of Income and Wealth.